

جای اداره: کسما

سر دبیر: میرزا غلامحسین کسایی

نگارخانه و مکاتیب باید

عنوان ذیل باشد

فردن جنگل

هفته دو و نمره طبع شود

مک نمره هفت شاهی

کنگر

۱۳۳۵

تاریخ کیشنبه بیست و هشتم شهریور ماه ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لویج و کلا

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشراک جواز نیست نزد دریافت

قیمت اشراک

بجای ۵۰ تومان

این روزنامه فقط نگارندگان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول خستین کسایی

یک دادخواهی و حدانی

بایاری فارس صالی ایران با پشت گرمی مسامت
 جوانهای غیور رشید تمدن مرام محبت و اتقوب خواهیم کرد
 این وضعیت تشکیل یک جنبش تحریریه کار دارد
 یک قویه گیلان و تهنه آباب تحریر و طبع و توزیع
 یک روزنامه با حالت عالی دنیا و جنگ هو ناک
 امروز می و فقدان تمام آنچه تا یک قبل از این جنگ
 سهولت تحصیل میثه کار است بی اندازه دشوار
 با امیکه تمام موانع را برای العین احساس سنگین
 منت قاذین جنگها و توجات قابل سایش
 ایشان بالاخره که نظم کرده می نویسیم

امید داریم تحقیقات و دشمنان و هموطنان ما
 از جهات نامشبه باز داشته برادر است و دارد
 با حقیقت تقسیم . ما تقیه و بقدر احتیاج محرک
 در مری شخص حیدر اینیم . ما در این سنوات اخیر
 ابتلائی که با ما در شده قسم کرده ایم کسیکه
 باران گر امیر از جا خلاصت نجات دهد حق جنگ

بگردن او دارد . یکت پر و فوراً لانی میگوید

ای احتیاج تو بر بی منی ای احتیاج تو مصلح افکار ما
 ای احتیاج تو پدری تو مادری تو برادری تو یاری
 تو یارویی . . . پس یک ایرانی اگر بگوید

پس یک ایرانی اگر بگوید

ای تقیه تو ما را برادر است بدیت میلی ای تقیه
 تو ما را از سهوا و اشتباه باز میداری تو را دوست
 داریم و تو باطمینان خواهیم داشت بد نگفته
 باشد

اینک باطنی صورت حالت منظره ذهنی سرشار از طمأنینه
 جنت رجال و سیاستیوں دولت ایران و بود عدالتی
 صادقانه اولیا . و ما در آن دولت روس شرع
 تا بس و توزیع این روزنامه کرده ایم در وقت
 نیز خواهیم با اصطلاح «مرگ بابا» زه کسیم کادلی چون
 ما را با نهایت محبت بعضی از دوستان و آشنایان

عالم غصه
 حوزة و کتبه
 رت
 و منشی
 کورین
 کوشش
 ت
 باز که داریم
 خود بچکاریم
 فکر نگاریم
 ت
 یار چه گوید
 ما چاره بگوید
 کی دست نشود
 ت
 سینه
 کرا
 شمس ۵۰

دعوت بود و در وقت جنگ نیز نسبت طهران میکنند باینجا
 بجهت از بدبختیهای خود و تاسخ زحمت و فداکاریها
 در سار جنگیها با جو تمام ایرایان و غوغای دید ۱۰
 و صحبت کتیده از نامین خود بستر مائا سوال
 میکنیم آیا پیشه وجه خوشبختی و سعادت بی بارخ نمود
 که ما قلوب خود را به ان تسکین داده و بقضای سائر
 نقاط ایران متواری شویم آیا فقط یک اظهار لطف
 و محبت جیران خسارت و زحمت تا دیر در بار
 خواهد کرد؟

پس لازم است بعنوان افشای رازهای درونی
 (نه بقصد شکوه و شکایت) یک مقدار از صدمات
 وارده بخود را برای منصفین آزادی خوانان عالم شرح
 و بهم فاضله در جواب (مکتوب سرباز) که از طرف
 کارکنان روزنامه مساوات مطبوعه رشت با شماره
 ۱۰ شماره ۱۰۰ آنجورید و شرح بدستند درج بود بتعقیب
 قوان اجعل لازم است بطور اجمال کمی از بسیار
 و فواید بسیار جراحات چند بلاکش ایران را با
 یکدیگر تا منت برشته نخریم در آیدیم.

در دولت همایه دولت ایران از امجد که در سال
 ۱۳۱۸ قمری از آن دو دولت افتخار بدختری بنمایند
 نیز منصرف کردن ایران مد مدت ۲۴ سال گذشته
 از تاسیس و تربیم بر راه شوشه و این جنب نظامی
 مشاقان و معین اطیشی که قریب سی سال قبل برای
 اصلاحان ایران طلب کرده بود و عاقل و باطل باین
 و مایه ایران را که از آنوقت بعد بکل منحل کرده بود
 بهر وقت تصفیه کنند.

طلب حق کشی را بی ایران کفایت از بدیای غرض
 حق تغییر تعرفه گمرکی تجارت و فواید اقتصادی

و امتیازات و معاون را مخصوص بخود کرده اند
 حق تغییر تعرفه گمرکی را از ایران گرفته اند
 بعد از اینهمه بدبختیها دو دولت هموار متحد
 در سال ۱۳۲۸ ایران را از دادن هر امتیازی بخارج
 بدون صلاح حدیه آنها منع کردند
 حق استخدام متخذهین از محل خارج برای اصلاحات را
 در سال ۱۳۲۹ از دولت ایران سلب نمودند که بدو
 تصدیق آنها نتواند کسی را از خارج استخدام کند
 حق نگاه داشتن قشون را از ایران در سال ۱۳۲۰ از
 دولت ایران نیز گرفته اند که هر وقت دولت ایران
 خیال داشته باشد یک قشون خلی کو چکی هم تشکیل دهد
 آنها اجازه خواهند داد بشرط آنکه قبلا با آنها
 مذاکره کرده و رازی دولتی را در باره کیفیت آن
 قشون تحصیل کنند

دولتین روس و انگلیس دولت ایران را مجبور کرده
 که معاهده نامه ۱۳۲۵ و دولتین را در خصوص ایران رسماً
 تصدیق کرده حق اظهار داشتند که ایران باید حمایت
 و دولتین را بپذیرد ایران پذیرفت اما محمدولی خان
 سکاچی انصر السلطنه امیر اکرم و سپهسالار
 تا در آتیه چه شود چندی قبل خواست بپذیرد دولت
 و ادون محمد علی شاه دوباره با ایران و آن انقلاب
 قهرمانی (در صورتیکه بموجب معاهده نامه ۱۳۲۷
 دولتین روس و انگلیس متعهد شدند جلوه گیری از
 و مایل شاه مخلوع بنمایند) برای بهم زدن اصلاح
 و حالیکه متر شوشه در پناه مجلس ملی ایران شروع
 کرده بود اول اولتیماتوم (انتهای محبت) فرستادند
 و شوشه و همراه نثر ابجد و عطف بکل وقت آوری
 بیرون کردند مشمل آنکه ظاهر این اقدامات اخیراً
 رژیم سابق دولت روس میگرد ولی چنانچه در

کتاب آبی
 انگلیس از
 (پطرد گراو)
 صد خان
 خود را
 آزادی
 و آنها را
 دو هزار
 بوزارت
 حاکمی است

روس
 در مایه سما
 حقی (ده)
 مخصوصاً
 و ابائات
 از صد هزار
 و تقریباً
 داسرا با
 بی سیم و
 تا دوسه
 بوده باشد
 در مشهد با
 آذربایجان
 رعایت
 در ولایات
 در بهم زدن
 یک

کتاب آبی انگلیس مندرج است (۱۹۱۲) ابتدا دولت انگلیس اخراج شوستر را به نرسوگ آنوقت و (پلر و گراد) عالیته شهنشاه کرده و تحریک شجاعانه و صد خان فارنگر معروف در تبریز که از طرف جانب خود را حاکم خواند و آنها خود نماد که بناحق از سران آزادی خوانان و استقلال طلبان ایران بکنند و آنها را بدترین اشکال شده کرده و بدار آورند و در همان روزهای محنت انگیز مستر شیلی مقیم تبریز بوزارت خارجه آنوقت ایران نوشت و خوب حاکمی است و قول عامه داده

گامی بالاتفاق . زمانی بالاتفاق

روس بدخالت نمایند می رژیم سابق دولت روس در ایالت شمال ایران حمایت صریح باینک استوار می کردند حتی (ده نومان) باینک طرف معاند بود که این اقدام مخصوصاً محض طلب تمام بشیر خمی ایرانی و خاکین بزرگ و ایامات شمائی در مرکزی بود و حاجت دارین مستر از صد هزار نفر بجاک ایران از قبیل استرآباد و تبریز و تصرفات مالکانه در آذربایجان و گیلان و در استرآباد و خراسان ساختن قلاع و مراکز مگر کلا بی سیم و غیره در آذربایجان و گیلان چند نقطه که تا دونه پیش با ستار و اجبی مستر بود تا فاعلش بوده باشد تجاوزات دبی احترامیهای تحمل نکردنی در مشهد با اینکه مکرر نمایند های روس در گیلان و آذربایجان اخطار کردند که احترام مراسم مذهبی همیشه رعایت بشود مخالفت از ناسیس شعبه های قزاقان در ولایات شمالی ایران وسی و کوشش فوق العاده در بهم زدن اداره معین شجاع عالم فداکار سوندی یک دولت همساز و مکرر بالاتفاق

پایه کردن قشون بودیات بخت بزرگته جنوبی ایران فاضله شیراز و بندر عباس و بندر بوشهر ایقازات تلگراف و راه آهن و کشتی رانی در کاروان عیانم مستقل کردن ای بسا فاضلین فارس و برای جنوبی مخصوصاً شیخ قزل ستر کردن در رودخانه بواصل فارس و غیره و غیره و غیره

نتیجه این اقدامات چه شد
دولت متحارب ایران از آمدن لشکر گمشدگی خویش درازد و در سها از آذربایجان بجاک ایران حمله نمودند انگلیسها از خاک نامری با هواز و حمزه بشیر عثمانیها بکنند آمانه بشیر عثمانیها بلکه رعایای بگیانه ایران را زیر پا گرفتند صد خان را که بنزدان زحمت و دولت ایران موفقی شده بود از ایران بیرون کنند از تقطیس بایران کشیدند تا قشون نظامی قدیم ایران را جمع کرده و با همسر ایران لشکرگشی کنند و عثمانیها حمله نماید ج. ک. بقیه دارد

یک وزیر وطن پرست و ملوکا

سواد مکتوبی است که بتاریخ الامجدی لادلی از طرف آقای سپهدار عظم وزیر داخله سابق بکومت گیلان و طوالش نوشته شده و ما محض آنکه افکار عالیته اینگونه و نذر ابهوم انالی ایران موفقی کنیم در این شماره از مجله جنگل آزاد بچ کرده و بعد از این سایر مکاتیب وطن پرستانه اورا که بدت آورده ایم یکی بعد از دیگری درج خواهیم کرد
سواد مکتوب وزیر داخله مشرف سردر امضوی قدیم و سپهدار عالیله و شاید سپهسالار آینده بکومت گیلان و طوالش آقای حاجی صفاه

خالد واه

محل شیر و خورشید : وزارت داخله : اداره داره : مورخه اشهر جمادی الاولی ۱۳۲۵ : ضمیمه

قدایت شوم بعد از استسلام از مجاری امور و سلامتی طالبان شریف این شرح را بطور خصوصی عرض میکنم البته از وضع کنونی و میرفتهای قابل تقدیر قوئینهای دولت امپراطوری در قوئینهای ایران و تخلیف و سزا نمودن قوئینهای عثمانی و تصرف پیمان و سایر شهرهای اشغال شده عثمانی از کیهوف و از طرف دیگر قوئین دولت انگلیس بدین النهرین و سقوط کوهت العاره و غیره و تهدید بغداد که احتمال قوی می رود تا این هفته بتصرف قوئین انگلیس سپایه شنیده اید با این تفصیل و پیش آمد های خوب حقیقتاً انصاف نیست از سزا و غارتگری بکشت جنگلیها در گیلان جلوه گیری و موجبات قلع و قمع آنها فراهم نیاید

و تعجب است با حدیثی که میثوم مسیو پم قول دولت بهیه در این موضوع دارند چرا اینکار این قدر باید طول کشد در اینموقع اگر سیصد الی چهار صد نفر از قوئین دولت امپراطوری را بتوانید بهر اسی طالبها بفرستید یقین دارم با کمال سرعت با اینکار فایده داده خواهد شد

بخصوص اگر امیر مقتدر هم امیده دار و مسئول قرار بدید بعقیده من موافق اینها به از دست زار خوب است همین مرا سله مرا هم بنظر جناب قولبول بسایند و زودتر اقدام فرمایند و از نتیجه مطلع بسازید و الا اگر از طرف مخالف

و آسمانی نخواهند اقدام میکنند خط عظیمی است زیرا آنها اطلاع از جنگلیها گیلان ندارند میرتسم باز اسباب پیش جنگلیها فراهم شود پس بجز دفعه سناخر الملک مرحوم موفق شدند در هر حال جناب قولبول مذکره نموده و حمل است تا این هفته جناب جنرال بارانتف هم مرا

بکنند بطور یقین ایشان هم شریک عقاید من خواهند بود چنانچه در طهران هم میفرمودند

محل مفاد فتح آ

ارانس جنگل

روز شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۲۵

از شسته تا جنگل - امین الدوله معلوم الحال و حاج میرزا محمد رضای ام العله (نمیدانم بچه مناسبت یکی دو نفر بنیچه آخوند دیگر) با شتاد و تقرب پادیه که بانگک های سر پر قدیم مسلح بودند (کار حاجی مصطفی، حسن موسی، و قال خان) و چند سربازان که با ورنندل مسلح اند و بتوجهات آقای سردار منصور (جبردار) غلط گفتم سپه دار عظم برای قلع و قمع جنگلیها ما بقارشت فرستاده شده بودند و چند نفر قزاق ایرانی بچاره بی نوا برای غارت رعایای شسته تا با بخار فته امین الدوله و توله های شکاری معروضه خود با عده مسلح به سبب معروضه چندین روز بود در آن محسوسه از این اجاره نامه بزور بگیر از آن مفاصا بزد از یکی قباله سحر مطالبه کن از دیگری باقی سی ساله عمده و زوزک بشکنج و چوب و چماق نخواد القعه در نهایت جدیت و فعالیت مطابق اصل حقوق من العلی مشول تصفیه امور آنجا یعنی گرفتن جان و مال رعایای فقیری بیاه آن حول و حوش بودند و در حرکت امین الدوله و اینموقع بلشته تا بعضی اسرار دیگر مکنون است که در نرات آیه بعضی قاریین گرام خود میرسانیم

هر چه از رعایای شسته تا با ادارات و دوا در شت مخصوص با قای فتح الدوله عاگر معروف عرض و اظهار شد جواب داد (باید شب موازنه مرا ملاقات نمائی تا شنیدند ما در بود که سوای خود از شسته تا احضار کرده رجا

خود را قطع

الملک

و دکتر

سردار

سپه دار

و غیره

که سواد

گفتم داد

از گیلیون

بنگاه

جنگلی

سردار

از طرف

آنها

فارس

بزرگ

خالد واه

زخمی

به ام العله

همی ریزه

عقل و شعور

لا قاری

این مقدار

و تکذاف

البوی

در وضع

خوایند
فاج میرزا
و غیره
ای سرپر
وقال خان
بهاآت آفای
عظم برای
دند و چند
ی شنه
مورد و خنوق
بوده آن
فاصا بزد
ساله عده
در نهایت
علی مشول
ی فقیری پناه
له و درین
رات آیه
درشت مخصوص
لها شد جوا
سیند نامه
ر کرده رجا

خود را قطع کرده بودیم اما از طهران از طرف حاجی معین
الملك رشتی

بلغ العلی بکال کشف الی بکمال

خست جمع خصال صلوا علیه و آله

و دکتره تورک فیل یعنی کتک

و سردار منصور (ای مرده سوار این حافظه را برود)

سپه دار اعظم تعلیمات لازمه در باره انتخابات و تشریح

و غیره و غیره و غیره

که سواد مکاتب طرفین را شاید در نرات آیه روح

کنیم داده میشود اما مورفین فرضی نمیدادیم

از ترکیبون را دیر حاضر میکرد در این حیس و پس

بنامه از کنگار جنگل فوسن یک عده فدائیان

جنگلی با بریت اتحاد اسلام و امت تائید اتم

سرگردگی شجاع غیور آقا میرزا که یک خان

از طرف شرق بلتة ناشعله کرده با پیشرفت کردیم

آنها پس نشسته بالاخره آقایان را کلاطرا جمعاً

فارسه بگوئیم همه شان را دستگیر کردند بجز ابراهیم

بیر و آل جناب مستطاب اجل افتخار الباج حاجی مفا

- خواله و له بجز یکی دونه چهار نفر مقتول از طرفین چشم

زخمی باقی این الدوله به سجاج میرزا محمد رضای ابوالق

به ام القله نه بان چند نفر با دجبان و در قلابین

ای ریزه پای دیگر زبیده صیما سالاً محترماً با کمال

عقل و شعور و بخت و سرور فی حالت بیخ منجم جمیع

الاقاریه الشرعیه بجات جنگل ره سپار شدند مجاز

این مقدار خبر با اداره ماسیده و سیم های تلفون

و تلفون و تلفون های بی سیم و سیم های تحت

الجوی بکلی مقطوع و از ساعت شش جمیع مجده

در وضع گرفتیم (در وضع گوشت است) تا این ساعت

ما مورین با جده مشول ترسیم سیم با و تعمیر نقاط راه
آهن که در این واقعه جانوز قدری آفت یافتند
پهاش جفا از این الدوله مرحوم آذین باین
پس افسوس از آن نام نیک و ای از این بد بختی و
بد نامی ابن الوقت

بقیه دارد

اعتذار

چند روز قبل که من از طهران برشت معاودت کردم

چون چندین سال بود از یار و دیار مجبوراً مفارقت اختیار

کرده بودم محض تجدید ملاقات چند روزی درشت توفیق

شدم از ساعت ورود تا ساعت حرکت از محو ز راه

طبقات انالی و عموم رجال و محترمین محض توفیق و در

از من بر سرکش عالم آمدند گریه با نهایت افتخار و ممانعت

آنها را پذیرفتم لیک قلباً نهایت شرمند و منفعل

بودم که موفق بیازدید نتوانم شد و بواسطه ضیق

وقت و غریبت فوری من جنگل این فرض گرد

من خواهد ماند

اینگ از گما که محل طبع و توزیع روزنامه جنگل

است اقرامات فائده خود را تقدیم حضور نام هموطنان

غیور رشید خود کرد و باقی مملو را شکر مرام مبد

ایشان را تقدیر میکنم و نهایت معذرت از قصور در انجام

این تریضه میخوانم

از الیک تنک و این را

ایک یقوت تنک المبتحیر

عین کمانی

ادبیات

یک قول بدیع که در آخرین روزی که از طهران میآیم
 ادیب سخن آقایی کمالی شخص پرسم یادگار بن لطف
 نمود و تازه نام یادگاری بزرگ از ایشان برام
 خواهد بود س بقا هم در جریده دیده ایران درج شده
 دیدی کسیکه تیره از او گشت کار ما
 خود روز تیره تر شدش از روزگار ما
 منت خدایر که نردیم تا رسید
 بر آرزوی خود دل امیدوار ما
 پایان بر آنچه لب با آن صنم نکست
 این بود ما که بود مدار نگار ما
 زلف تو سر صحبت ما آفتد کشید
 کار دست برد بگره صبر و سر ما
 آویخ که باز حرف زفتم زدی عمل
 در نه نمی نکست چنین اعتبار ما
 نخلت چه با بریم سپس تا بر دیار
 گر کار نامه ببرند از دیار ما
 آفریند دیده کنار از گریستن
 در بار صحبت از مرده تا در کنار ما
 ما غیر دمس عشق کمالی نخواهیم
 جرمی که هست هست بر امروزگار ما

ح. ک
 لفظ

روزنامه نوبهار که از حیث اشتهار در عالم مستفی از
 توصیف است بقلم همین ادیب راه دانشند آقایی
 ملک الشعراء خراسانی مجدداً بعد از تحمل صدات فوق
 الطافه زینت بخش عالم مطبوعات گردید با این پست
 اولین شماره همس توسط یکی از دوستان صدیقی بافشار

اداره روزنامه جنگل رسیده کارکنان این روزنامه
 با یکدیگر ناشف تریکات صمیمانه خالصانه خود نیاز
 مقدم آقایی ملک الشعراء کارکنان اداره نوبهار کرده
 یک آهنگی که از گستاخ طهران برسد

زنده باد ملک الشعراء پاینده باد نوبهار
 درمی ورمی - یاد و رات درمی

از نایبه آقایی معین بیون این مایه گیلان و طولش
 یک قطعه یک خطیر عا د محسنی با حسنی با خلاف آرد
 یعنی یک صورت ظاهر میزان عایدات و مخارج دو
 ساله دایره نواقص از تاریخ اول مهل نوشقان نیل
 الی آخر حوت بمسئله نایبه لوسی نیل ۱۳۲۵ بابت ضمن
 با داره رسیده و این آرا محض استحصار خاطر قارئین
 کرام و بیلا درج میکنم

فدایت شوم دانش واد و جو مبارک ز در صبر
 حوادث زنده کار در دشر بیل و نهار مهنون
 به آتین یارب العالمین یارب عالم خسته دلان
 متحاب کن جنم صامره و از به چینه نبله
 تقدیم شد با آقا زردگان نوشتر جان فرمانده
 هر که باشد ز غم پرسان یک بیکر او یار خیزد

معین همیان
 ۱۱) لیکه در جنگل کسب ان طرف مخصوص میوه چیدن
 ۱۲) همیان کبیره را گویند که در صحبت عالیست
 عوش در جات زوآر در او پول پرند

کارکنان اداره با مرتت فوق التصور جهل کن کن
 فرانس پست را با دست راست در آخرش کشیدند
 با دست چپ جیب او را آرام تقشش کردند تا بلکه
 صورت عمل لایبجان لشکرود در انکوه و غیره و غیره

شماره
 آقای کاظم
 و خود حرف
 توبه و سر
 بارانند
 گیلان
 جاگ کرده
 فومن متون
 دیگر هر
 میرآب
 کفایت
 جنگل میر
 طوالش
 جوانها
 قدرت
 اسم در
 نده
 زینت
 زامن
 دولت
 معمولی
 صفحات
 دوم
 اخیراً

آقای کاظم خان مجاهد غیور و آقای محمد خان محمد السلطان
و خود حضرت اجل اشرف انجم عالی را در آنجا پیدا کند
توبه و من جاب کنم

قی نوکرتقی

بقلم کلی از شاگردان مدرسه کسما

بارانهای متواتر چند شبانه روز تقریباً در تمام نقاط
گیلان باریده بنا بر این خوان نعمت بیدرغش همه
جا کرده موجب افتخار در تمام اطراف و کناف
فومن متوجه اهالی است تقریباً یکسال تمام است که
دیگر هیچ وجه ظلم و تعدی و زدنی در این طرفها نیست
میرآب فومن آقای حاج رئیس و میرانی شرف بعهده
کفایت و دیانت آقای آقا سید رضا آقای آقا سید تقی
حکلی میرآب کسما آقا شهیدی کاظم حکلی میرآب
طوالش و کسک آقا شهیدی ابراهیم میرآب تولم و غیره و غیره
جوانهای وطن پرست حکلی است جوانم با کمال
قدرت بان مدبر محترم اطلاع دهیم که دیناری هیچ
اسم در رسم از مالکین جزو در عینت هیچ عنوانی گرفته
نشده.

زمین عدلش با سفید جفت کلنگ
زامن و دودش شیر سیاه جفت شغال

این فراز برود در هوای جنگلی
نه آن فراز برود در زمین مدحکالی
دولت همیشه در این دو سال موفق شد که مالیات
معمولی را توسط کوچکر اجراء داد و این مالیات از این
صفحات دریافت کند.

و در مدرسه با بریت اتحاد اسلام در کسما و فومن
اخیراً احدث شده با کمال نظم و ترتیب در این است

مدرسه کسما مستی بجز در اسلامی و مدرسه فومن تمام
حضرت نمیده می شود حضرت دارای دو کلاس در
س اطاق و اسلامی دارای چهار کلاس است مدرسه
کسما ششاد و پنج شاگرد (از هفت سال تا ۱۲ ساله)
در مدرسه فومن شصت و هفت شاگرد و بن مودض
دارد و مدرسه کسما آقا میرزا جواد حکلی و دبیر مدرسه

فومن آقا میرزا علی آقای حکلی است که کاتب روزنامه است
نیز ممت و شغلیق را هم خوب می نویسند و در برق
بشر و خوشبید در اعیان و بیام هر دو مدرسه از اشته
می شود و هر صبح و شام تمام شاگردان ملحق می شوند
به عالی بقای ذات اقدس مسیونی، علیحضرت قدر
قدرت سلطان احمد شاه خلدانه ملکه و سلطانه رطب اللسانه
این بایعرت است و قیسکه خبر تکمیل کابینه جدیدی برپا
حضرت اجل اعظم پرنس علاء السلطنه و عضویت فدایی
و وطن پرست مفضل اولاد اسلامی ذیل در کسما شهرت پیدا کرد

- آقای علاء السلطنه رئیس اولاد و وزیر امور خارجه
- آقای مستوفی الملک وزیر مشورت و رسول بدون (پورت فوی)
- آقای مشیر الدوله وزیر جنگ
- آقای مستوفی الملک وزیر فریاد عامه و تجارت
- آقای مستشار الدوله وزیر اوقاف
- آقای حاج محشم السلطنه وزیر مالیه
- آقای ممتاز الدوله وزیر عدلیه
- آقای حکیم الملک وزیر معارف
- آقای نصر الملک وزیر پست و تلگراف

تمام شاگردان بنیت اجتماع پس از دعای ذات
اقدس طوکانه از دامن افکار بنام دیناری صدیقی
و وطن پرست زنده باد محمد طولانی کسبند

اعلان

روزنامه جنگل تقریباً پنج فرسنگ مسافت از پشت
 با تکیه زحمت شاد هفت روز بار طبع می شود آنجا که در
 ایالات و ولایات وطن خانه مرکز قتل طبع و تبلیغ
 بریده گشته از موافق اطلاع دارند شما صاحب کسب
 باشناک هستند مخصوصاً امالی گیلان باید از ایشان
 به قرا داره روزنامه یا جنگل که در پشت در روز
 آتیه معین خواهد بود که در و در ایوانان را زودتر
 بر روزنامه آما بفراغت در فکر اصلاحات ایسی
 باشیر و یک اندازه از نواقص اقتصاد خیالی
 راحت بشه

اخطار

از طرف کارکنان اداره روزنامه جنگل
 بر طبعان
 یک روزنامه نمیتواند قلم نظام ادوات رسمی
 کشوری و لشکری دولت باشد و احق ندایم
 و بنوا هم از خود بخود بکنیم ما این
 از دج بگردد نکایف که راجع بمقاصد و مضایف
 شخصی است معذرت نخواهیم و اگر در موردی عمل
 واجب و لازم باشد عمل مختصراً با آردی خواهیم
 کرد و از دج بین مقالات مخصوصاً مقالات
 اقتصادی شخصی جداً معذرت نخواهیم
 کارکنان اداره روزنامه جنگل

مجلس

آقای میر محترم مسند در روزنامه عصر سعادت
 اصدرج بود که در چه صورت است اگر نخواهیم

روزنامه از خودش تقریباً پنج فرسنگ مسافت از
 حاصل شد
 بنده که یکی از پشت گردان و دهقانی در راه اسلامی
 هست تا به کسب ششم بطریق ذیل عمل نموده ام متنی
 است در آن محترم جویده درج فرمائید و متنی
 بر این دهقان زاده بگذارید

جواب
 ۸۷۶۵۴۳۲۱
 ۱۲۳۴۵۶۷۸
 ۷۵۳۰۸۶۴۳

نام ابراهیم زاده شماره کلاس چهارم هشتاد
 محمود خان جانم بگویند پشت میاید

اما بطور
 از و از یک از پشت با اطلاع میاید بنده بواسطه شکایت
 سرتزده امالی گیلان برزرا محمود خان نام رئیس
 تا بیات شش ماهه پشت از مرکز با مفتشین و امیرین
 مخصوص تحت الحفظ پشت میاوردند تا در خیانتها
 و خیانتها در توه ما یک از مردم گیلان گرفته مخصوصاً
 از عهد و پناه نو که باسم مقصرین چینی آنها را محسوس
 کرده و با انواع شکنجه آمانا زود داده و معذب شده
 است ما این اقدام بیست کارکنان وزارت و
 جدیداً تقدیر کرده امید داریم تمام خاستن جمیع
 وطن خودش مؤمن بجا بیست رسیده این محمود خان
 که بنده ایم در کدام یک از مردم با خود و خانواده
 طهران دوره (جهانگیر) و پراکنده انگیز کرده
 چلی از بیست مردم گیلان کرده و مبلغاً از آنها
 با هم در هم گرفت آیا آنها را که واقعا گرفته
 پس خواهد داد؟

پس از بیست با اندازه تقصیر مجازات خواهد شد؟
 من در دستش گزیده پشت و شش بگردد

مطلبه گناه

شماره
 جامی
 سرور
 لگرافات
 عنوان
 زمن
 هفته
 کت
 ایر
 چنانکه
 تشون
 دو تنها
 کوشون
 شکر نظام
 ایران با
 بطرفی خود
 قدمی از
 اولیای
 قلند گن
 و هر چه
 چیزیکه
 در جمیع
 رستم
 مدت جنگ
 گای ش
 ززال
 در روزی